جغرافیا و روابط انسانی، پاییز ۱٤۰۵، دوره۹ شماره۳، صص۲٤۸-۲۳۰

الگویی برای ارتقای نقش‌پذیری شهرهای کوچک در سازمان فضایی استان گیلان

مهدی بارنافر[1*]، یاسر قلی‌پور[2]

۱- استادیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

Mahdi.bornafar@guilan.ac.ir

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

تاریخ دریافت:۱٤۰٤/۱۱/۱۱ تاریخ بازنگری:۱٤۰٤/۱۲/۱٤ تاریخ پذیرش: ۱٤۰۵/۰۱/۱٦

چکیده

شهرهای کوچک به‌عنوان حلقه‌های میانی نظام سکونتگاهی، نقشی کلیدی در تعادل فضایی، ارائه خدمات، و تقویت پیوندهای شهری–روستایی ایفا می‌کنند؛ بااین‌حال در بسیاری از مناطق کشور، از جمله استان گیلان، این شهرها با تضعیف کارکردی، کاهش جمعیت فعال، و حاشیه‌نشینی در برابر شهرهای بزرگ‌تر مواجه‌اند. هدف پژوهش حاضر، تدوین الگویی برای ارتقای نقش‌پذیری شهرهای کوچک استان گیلان در چارچوب شبکه شهری منطقه‌ای است. پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی–تحلیلی است و برای دستیابی به اهداف تحقیق از ترکیبی از روش‌های اسنادی، تحلیل آماری، و تکنیک‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره استفاده شده است. داده‌های مورد نیاز از سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، اسناد فرادست توسعه منطقه‌ای، و نظر خبرگان حوزه برنامه‌ریزی شهری گردآوری شده‌اند. در گام نخست، با استفاده از شاخص‌های جمعیتی، اقتصادی، خدماتی و فضایی، شهرهای کوچک استان گیلان مورد ارزیابی قرار گرفتند و نقش غالب هر یک در شبکه شهری مشخص شد. سپس، با بهره‌گیری از تحلیل SWOT ، نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌روی این شهرها شناسایی و راهبردهای توسعه‌ای متناسب استخراج گردید. به‌منظور اولویت‌بندی راهبردها، از تکنیک QSPM استفاده شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بخش قابل‌توجهی از شهرهای کوچک استان فاقد نقش عملکردی متمایز بوده و بیشتر در وضعیت وابستگی به مراکز شهری بزرگ‌تر قرار دارند. بااین‌حال، برخی از این شهرها ظرفیت ایفای نقش‌های تخصصی نظیر خدمات محلی، پشتیبانی کشاورزی، گردشگری و لجستیک منطقه‌ای را دارا هستند. بر اساس یافته‌ها، الگوی پیشنهادی پژوهش بر تقویت نقش‌های تخصصی، بهبود پیوندهای عملکردی با سکونتگاه‌های پیرامونی، و توسعه ساختارهای میانی نظیر «دهکده‌های شهری» به‌عنوان ابزار ارتقای نقش‌پذیری شهرهای کوچک تأکید دارد. این الگو می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای سیاست‌گذاری فضایی و برنامه‌ریزی توسعه متوازن در استان گیلان مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: شهر کوچک، برنامه‌ریزی فضایی، شبکه شهری، استان گیلان

doi: 10.22034/gahr.2026.572626.2673 شاپا الکترونیکی:2645-3851

مقدمه

برنامه‌ریزی فضایی کوششی است برای رسیدن به مطلوبترین الگوی فضایی برای نیل به توسعه منطقه. برنامه‌ریزی فضایی مجموعه‌ای از سیاست‌ها و ابزارهای مداخله در سطوح گوناگون، برای افق‌های زمانی مختلف است که به منظور کمک به مدیریت تغییرات راهبردی درون، قلمروها، اقتصاد و جامعه صورت می‌گیرد (Dimitriou & Thompson, 2007). سکونتگاه‌های مختلف یک منطقه فارغ از اندازه خود، یک نظام شبکه‌ای به همپیوسته را تشکیل می‌دهند که این شبکه بر روابط افقی، عمودی و سلسله‌مراتبی بنا شده است. از بعد منطقه‌ای استدلال شده که شهرهای کوچک به‌عنوان اجزای کلیدی شبکه‌های شهری، نقش موتورهای محرکه سلامت منطقه‌ای و توسعه پایدار را ایفا می‌کنند (Tong, Liu, Li, Zhang & Ma, 2021). علاوه‌بر این، شهرهای کوچک اغلب دارای میراث طبیعی منحصر به فرد، فرهنگ‌های قومی خاص و صنایع محلی برجسته‌ای هستند (Jaszczak, Pochodyła-Ducka & Pranskuniene, 2024). در مقایسه با کلان‌شهرها، شهرهای کوچک به‌عنوان اشکال پایدارتر شهری درنظر گرفته می‌شوند (Mally, Bobovnik, Kimovec & Lampič, 2022). راهبرد شبکه منطقه‌ای بر مجموعه‌ای نامتمرکز و خردمندانه از دخالت سیاسی اصرار می‌ورزد که تنوعات موجود از لحاظ برخورداری از منابع ناحیه‌ای، تقسیم کار بین بخش‌های شهری و روستایی و نیازها و توانمندی‌های توسعه محلی را مورد حمایت قرار دهد.

مطالعه بوگدانسکی و یانوش (۲۰۲۲) به بررسی نقش و کارکردهای شهرهای کوچک لهستان در تأمین استاندارد زندگی در مناطق روستایی معطوف است. ایشان بیان می‌کنند که شهرهای کوچک به‌عنوان مراکزی برای شکل‌گیری توسعه چندمرکزی اهمیت زیادی دارند و نقش واسطه بین کلان‌شهرها و مناطق روستایی را ایفا می‌کنند. عملکردهای متنوع این شهرها، ازجمله بازاریابی محصولات کشاورزی، فراهم آوردن خدمات اقتصادی و اجتماعی، ایجاد فرصت‌های شغلی و تقویت هویت و فرهنگ محلی، تأثیر مستقیم بر بهبود کیفیت زندگی ساکنان روستاهای پیرامون دارد. ازنظر ایشان تعداد و ساختار کارکردهای این شهرها، ارتباط قابل توجهی با سطح رفاه و استاندارد زندگی مناطق روستایی اطراف دارد. همچنین چالش‌هایی مثل محدودیت منابع مالی برای نوسازی، نیاز به سیاست‌های حمایتی و استفاده از مزیت‌های محلی (مانند کشاورزی، گردشگری طبیعی و سنتی محلی) در توسعه شهرهای کوچک اشاره شده‌است. یو و همکاران (۲۰۲۳) نشان می‌دهد که شهرهای کوچک نقش محوری در دسترسی روستاییان به کالاها و خدمات روزمره، تجارت‌های کشاورزی، اشتغال غیرکشاورزی، آموزش پایه و درمان‌های پزشکی جزئی، به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته در بخش‌های مرکزی و غربی چین هستند. در مناطق توسعه یافته‌تر، نقش این شهرها به فراهم‌کردن فرصت‌های اشتغال غیرکشاورزی، آموزش، تفریح و غذاخوری افزایش می‌یابد. عوامل متنوعی مانند سطح توسعه اقتصادی، نزدیکی به شهرهای بزرگ، زیرساخت‌های حمل و نقل عمومی و کیفیت خدمات عمومی تأثیرگذار بر تنوع نقش شهرهای کوچک هستند. چن و همکاران (۲۰۲۳) نیز معتقدند شهرهای کوچک نقش حیاتی در اتصال سیستم‌های شهری و روستایی ایفا می‌کنند.

در قالب رویکرد شبکه‌ای می‌بایست تا نحوه اتصال سکونتگاه‌های مستعد تبدیل به شهر با سکونتگاه‌های بالادست، هم تراز و پایین دست، مورد ارزیابی قرار گیرند. در قالب نگرش سلسله‌مراتبی سکونتگاه‌های هم ارز می‌بایست از فاصله مناسبی نسبت به همدیگر قرار داشته باشند تا دچار تداخل عملکردی نگردند. با این حال در قالب نگرش شبکه ای، در صورتی که سکونتگاه‌های مورد نظر دارای عملکردهای مکمل باشند، این ویژگی را باید مورد توجه قرار داد؛ چرا که در این رویکرد بیش از عملکرد خود شهر، عملکرد کل نظام شهری اهمیت می‌یابد. ارتباط با سطوح پایین‌تر از این لحاظ اهمیت می‌یابد که یک شهر به لحاظ عملکردی می‌بایست قابلیت خدمات‌رسانی به تعداد بیشتری از افراد یا سکونتگاه‌ها را داشته باشد که در اینجا دو عامل قابلیت دسترسی و تعداد افرادی که توانایی دسترسی به شهر را پیدا می‌کنند، اهمیت می‌یابند. از این حیث میزان مرکزیت سکونتگاه‌ها عملا با میزان دسترسی به آنها رابطه مستقیم پیدا می‌کند. باید گفت

گاهی اوقات چند سکونتگاه که در مجاورت یکدیگر عمل می‌کنند عملا در قالب یک سکونتگاه یکپارچه فعالیت نموده و انفکاک فیزیکی میان آنها مانع از عمل کردن آنها به صورت یک کل واحد نمی‌شود. لذا در شناسایی این‌گونه سکونتگاه‌ها قابلیت ادغام یا تجمیع در یکدیگر نیز باید لحاظ شود.

خصلت اصلی رویکرد شبکه‌ای این است که اندازه و کارکرد شهرها را بی‌نظم و آشفته می‌داند و تعداد جمعیت شهر را برای تعیین کارکردها مهم نمی‌شمارد. بدین‌ترتیب کارکردهای رده بالاتر ممکن است در شهرهایی با اندازه کوچکتر ایجاد شوند. در این رویکرد موقعیت جغرافیایی و نقش شهر در تعداد بیشتری از شبکه‌های با مقیاس‌های متفاوت مهمتر شمرده می‌شود. در این رویکرد مشابه دیدگاه داگلاس، به جای اینکه انتظار بر این باشد که تمام شهرها یک نقش (و خصوصا توسعه مناطق روستایی) بازی کنند، برای آنها بر اساس ظرفیت‌ها و توانمندی‌هایی که دارند، نقش‌های متفاوت و در عین حال مکمل تعریف می‌شود به طوری‌که در سطح شبکه مکمل هم باشند. مضافا برخورداری از تنوع عملکردی و فضایی جهت کمک به نقش‌پذیری سکونتگاه و تحریک پیوندهای شهری–روستایی می‌تواند به جذب قسمتی از نیروی کار در حال افزایش که نمی‌توانند در بخش کشاورزی جذب شوند کمک نماید. داگلاس اعتقاد دارد با ایجاد شبکه محلی از روستاها، شهرک ها و شهرها، به مسائل اجتماعی و اقتصادی (سرمایه) توجه یکسانی می‌شود، برای مثال، آب لوله‌کشی، برق و فاضلاب، خدمات آموزشی و بهداشتی صرفاً مقوله‌های رفاهی نیستند، بلکه عوامل مهمی برای ارتقای سطح کیفی زندگی‌اند که به همان اندازه برای رشد پایدار اقتصاد ضروری هستند (Douglass,1999, 46).

توانایی مراکز شهری برای تحریک توسعه و نیز عملکرد موفق به قابلیت اتصال این مراکز به شبکه‌های گسترده‌تر منطقه‌ای و ملی بستگی دارد. باید تلاش شود تا در تعریف اجزاء نظام فضایی ملی، تغییرات محلی در پیوندهای روستایی– شهری به حساب آورده شود. از نظر تاکولی و ساترتویت، توانایی مراکز شهری کوچک به‌عنوان بازاری برای فروش محصولات روستایی، خود به عواملی از قبیل سیستم کشاورزی، دسترسی به منابع طبیعی و کارگر، قابلیت دسترسی و استطاعت برای استفاده از حمل و نقل، زیر ساخت راه و تسهیلات انبارداری جهت اتصال این مراکز شهری به شبکه‌های منطقه‌ای و ملی بستگی دارد(Satterthwaite and Tacoli, 2003). **هکنبرگ** معتقد است بهترین راه برای تقویت نقاط شهری کوچک انجام سرمایه‌گذاری مستقیم برای تقویت پایه اقتصادی این شهرها است و پراکندگی مکانی و شهرنشینی کوچک مقیاس را می‌توان با انجام سرمایه‌گذاری در زمینه انتقال برق، مخابرات و ارتباطات از راه دور و حمل و نقل جاده‌ای سنگین تقویت نمود (Hackenberg, 1982).

بیکر (۲۰۱۲) به هشت عملکرد اساسی شهرهای کوچک اشاره می‌کند: مرکز اداری، مرکز بازاریابی و توزیع، مرکز خدماتی، مرکز ارتباطی، مرکز بهداشتی، مرکز آموزشی، تسهیلات مذهبی و مرکز کمک های غذایی. با این حال، به طور کلی شهرهای کوچک دو نوع خدمات شهری ارایه می‌کنند: اول خدماتی که عمدتا مورد استفاده ساکنان خود شهرها قرار می‌گیرند مانند مدارس ابتدایی و دوم خدماتی که دارای بعد منطقه‌ای بود و علاوه بر ساکنان شهر به روستاهای اطراف نیز فایده سانند مانند خدمات اعتباری (ایزدی و نوذری، ۱۳۹۲). مطالعات تاکولی (۲۰۰۳) نشان می‌دهد که بسیاری از جمعیت روستایی نیازمند دسترسی به مدارس متوسطه، پست و تلفن، مراکز اعتباری، خدمات توسعه کشاورزی و تجهیزات زراعی، بیمارستان ها و خدمات دولتی هستند که آنها را از مراکز شهری دریافت می‌کنند. از نظر تاکولی به دلیل ترویج استراتژی توسعه بازار محور و تاکید آن روی تولیدات کشاورزی صادراتی که بر پیوند اقتصادی موثر بین محصولات کشاورزی و بازارهای خارجی توجه دارد؛ شهرهای کوچک به‌عنوان یک بازیگر کلیدی در ارتباطی با پسکرانه‌های روستایی با بازارهای محلی و فرامحلی نقش بازی می‌کنند (Tacoli, 2003, 56). بر این اساس موضوع ایجاد اشتغال خصوصا در بخش‌های غیر کشاورزی در شهرهای کوچک به منظور حفظ و تثبیت جمعیت موجود و جذب جمعیت نواحی روستایی مجاور از اهمیت بالایی برخوردار است. ویت

و گیبسون (۲۰۰۹) به جایگاه اقتصاد خلاقیت محور در شهرهای کوچک می‌پردازند. از نظر لاکور و پوسان، خلاقیت شهرهای کوچک منجر به توسعه فرهنگ اقتصادی می‌گردد (Lacour & puissant, 2009) و جینی و همکاران (۲۰۱۰) بر نقش اقتصاد فرهنگی در توسعه شهرهای کوچک تمرکز می‌کنند. لذا گرچه انتظار می‌رود شهرهای کوچک بتوانند بر توسعه فرصت‌های شغلی تاثیر گذار باشند اما بهرحال ضروری است تا در این امر، رویکردهای خلاقانه‌تری مد نظر قرار گرفته و از فرصت‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و غیره بهره برد.

توسعه شهرهای کوچک می‌تواند همانند تیغی دو لبه در جهت حفظ یا نابودی محیط زیست عمل نماید. در این میان با توجه به وقوع تغییرات اقلیمی در مقیاس جهانی (Tacoli et al, 2013) و نیز سیاست‌های مختلف دولت‌ها در زمینه واردات مواد غذایی اهمیت این موضوع بیش از پیش می‌شود. در بعد ملی رشد خیره‌کننده شهرنشینی در ایران درحالی رخ داده که تأمین غذای جمعیت شهرنشین راه دیگری جز باز شدن دروازه‌های کشور جهت ورود محصولات غذایی خارجی و خروج ارزهای نفتی باز نمی‌گذارد. ایوانز و امریس معتقدند نقش حیاتی شهرهای کوچک در حمایت از تولید کشاورزی به دو صورت جلوه‌گر می‌شود: اول از طریق عمل کردن به‌عنوان مراکز جمع‌آوری و بازاریابی برای مزارع (نقش آشکار) و دوم عهده‌دار بودن توزیع نهاده‌های مورد نیاز بخش کشاورزی (نقش فرعی) (Evans & Emrys, 1992, 663). با این همه گسترش بیش از حد شهرهای کوچک بدون رشد متناسب تولید منطقه‌ای منجر به فروپاشی حوزه نفوذ آن خواهد گردید، از این‌رو تعداد شهرهای کوچک می‌بایست چنانچه خیلی نزدیک به یکدیگر و در رقابت با یکدیگر قرار گرفته باشند کاهش یابند (ایزدی خرامه، ۱۳۸۰، ۱٥٤). از این نظر گاهی عنوان می‌شود که در یک فضای منطقه‌ای ضروری است تا بتوان به شهرهای کوچک با فاصله تا ۲۵ تا ۵۰ کیلومتر دسترسی داشت (قدیری، ۱۳۹۳). بدین‌ترتیب در نظر گرفتن شرایطی برای ارتباط بهتر فعالیت‌ها در شهرهای کوچک با سکونتگاه‌های دیگر قابل توجه تلقی می‌گردد.

روش تحقیق

در این پژوهش، روش تحقیق از نوع توصیفی–تحلیلی و کاربردی در نظر گرفته شد و برای دستیابی به اهداف مطالعه، از ترکیبی از روش‌های اسنادی، آماری و تکنیک‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره بهره گرفته شد. داده‌های مورد نیاز پژوهش از سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، اسناد فرادست توسعه منطقه‌ای و نظر خبرگان حوزه برنامه‌ریزی شهری گردآوری شد. در گام نخست، با استفاده از شاخص‌های جمعیتی، اقتصادی، خدماتی و فضایی، شهرهای کوچک استان گیلان مورد ارزیابی قرار گرفتند و نقش غالب هر یک در شبکه شهری مشخص شد. سپس، برای تحلیل وضعیت عملکردی و شناسایی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها، از تحلیل SWOT استفاده شد. عوامل داخلی شامل نقاط قوت و ضعف، و عوامل خارجی شامل فرصت‌ها و تهدیدها تعیین و در ماتریس SWOT جای داده شدند. با توجه به محدودیت‌های تحلیل کیفی، برای کمی‌سازی و اولویت‌بندی راهبردها، ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (IFE) و ماتریس ارزیابی عوامل خارجی (EFE) تشکیل شد. در این ماتریس‌ها هر عامل بر اساس اهمیت نسبی وزنی بین صفر تا یک دریافت کرد و امتیاز وضع موجود هر عامل با مقیاس یک تا چهار تعیین گردید. سپس امتیاز وزنی هر عامل محاسبه و جمع امتیازات به‌عنوان شاخص قوت یا ضعف نسبی سازمان در نظر گرفته شد. برای تعیین اولویت راهبردهای استخراج شده از ماتریس SWOT، تکنیک QSPM به‌کار گرفته شد. در این مرحله، امتیاز جذابیت (AS) هر عامل در رابطه با هر راهبرد محاسبه شد و با ضرب در وزن عامل، امتیاز کل جذابیت (TAS) به دست آمد. جمع TAS نشان‌دهنده اولویت راهبردها بود و این راهبردها بر اساس نظر خبرگان شامل شش مدیر با تجربه و تحصیل‌کرده حوزه برنامه‌ریزی شهری مورد ارزیابی قرار گرفت. برای سنجش نظر خبرگان از مقیاس پنج گزینه‌ای استفاده شد که شامل جذابیت بسیار کم تا بسیار زیاد و گزینه بی‌تفاوت بود. میانگین امتیازهای اختصاص یافته به هر عامل محاسبه شد و به‌عنوان ورودی QSPM برای اولویت‌بندی راهبردها استفاده شد. در نهایت، با تلفیق نتایج حاصل از تحلیل شاخص‌ها، ماتریس‌های SWOT، IFE، EFE و QSPM، مجموعه‌ای از

راهبردهای تدافعی، تهاجمی، اقتضایی و انطباقی برای ارتقای نقش‌پذیری شهرهای کوچک استان گیلان ارائه شد و بر اساس ویژگی‌های ناحیه‌ای، خوشه‌های فضایی با عملکرد پیشنهادی هر شهر تعیین گردید تا امکان برنامه‌ریزی توسعه متوازن و تقویت پیوندهای شبکه‌ای میان شهرها و سکونتگاه‌های پیرامونی فراهم شود.

نظام شهری استان گیلان

استان گیلان، از استانهای شمالی ایران به مرکزیت شهر رشت است. این استان، از شمال به دریای خزر متصل بوده و دارای مرز آبی با کشورهای حاشیه دریا میباشد و از طریق آستارا نیز دارای مرز خاکی با جمهوری آذربایجان است، از غرب به استان اردبیل، از جنوب به استان زنجان و قزوین و از شرق به استان مازندران محدود میشود. مساحت گیلان۱۴,۰۴۴ کیلومترمربع و جمعیت آن طبق سرشماری سال۱۳۹۵ ۲,۵۳۰,٦٨٦ نفر است. استان گیلان به ۱۷ شهرستان تقسیم شده که عبارتند از: آستارا، استانه اشرفیه، املش، بندر انزلی، تالش، سیاهکل، شفت، رشت، رودبار، رودسر، رضوانشهر، صومعه سرا، فومن، لاهیجان، لنگرود، ماسال و خمام . بر اساس آمار منتشر شده در سال ۱۳۹۵ ، تعداد ۱۰٦۱۳۰۱۲٦ نفر از جمعیت را شهرنشینان و تعداد ۹۲۷۰٦٦۱ نفر را روستاییان تشکیل میدهند که نسبت شهرنشینی در این استان معادل ٦۳,۳٤ درصد است.

در این پژوهش هدف اساسی آسیب‌شناسی شبکه شهری موجود و ارایه راهبردها و راهکارهایی برای بهبود وضعیت کنونی شبکه شهری با توجه به نقش و عملکرد شهرهای جدیدی است که به دلیل تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر پدید آمده‌اند. مطالعات صورت گرفته در بخش‌های شناخت و تحلیل نظام شهری استان نشان داد که تمامی شهرهایی که به نظام شهری استان افزوده شده‌اند، کمتر از ۵۰ هزار نفر جمعیت دارند که از این حیث در رده شهرهای کوچک جای می‌گیرند.

بررسی عوامل درونی و بیرونی بخش مهمی از برنامه‌ریزی استراتژیک است. ماتریس نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها(SWOT) یکی از الگوهای معروف برنامه‌ریزی استراتژیک است که به شکل نظام یافته هر یک از عوامل قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها را شناسایی کرده و استراتژی‌های متناسب با موقعیت کنونی مسأله مورد بررسی را منعکس می‌سازد. مدل SWOT در حالت کلی متشکل از یک جدول مختصاتی دو بعدی است که هریک از چهار نواحی آن نشانگر یک دسته استراتژی می‌باشد. به طور کلی ٤ نوع استراتژی در این ماتریس مطرح می‌شود:

- *استراتژی‌های SO: در قالب این استراتژی‌ها برنامه‌ریزان می‌کوشند با استفاده از نقاط قوت داخلی از فرصت‌های خارجی بهره‌برداری نماید و با بهره‌گیری از نقاط قوت، فرصت‌ها را به حداکثر برساند.*
- *استراتژی‌های WO: هدف از این استراتژی‌ها این است که برنامه‌ریزان با بهره‌برداری از فرصت‌های موجود در محیط داخل بکوشد نقاط ضعف داخلی را بهبود بخشند.*
- *استراتژی‌های ST: برنامه‌ریزان با اجرای این استراتژی‌ها می‌کوشند با استفاده از نقاط قوت خود اثرات ناشی از تهدیدات موجود را کاهش داده و یا از بین ببرند.*
- *استراتژی‌های WT: برنامه‌ریزانی که این استراتژی را بکار می‌گیرند حالت تدافعی به خود می‌گیرند. هدف از این استراتژی کم کردن نقاط ضعف داخلی و پرهیز از تهدیدات ناشی از محیط خارجی است.*

با این همه به این دلیل که تحلیل SWOT به تنهایی نمی‌تواند اهمیت معیارهای چهارگانه را تعیین نموده و راهبردها و راهکارهای مناسبی برای این امر ارایه نماید، ضروری است تا بررسی مولفه‌ها، راهبرد و راهکارها به صورت مدون و کمی ارایه شوند تا قابلیت اجرایی

بیشتری پیدا کنند. برای کمی‌سازی و اولویت‌بندی مولفه‌های حاصل از جدول SWOT روش‌های گوناگونی معرفی شده‌اند. یکی از روشها و تکنیک‌های ارزیابی، پایش و نظارت برای تحقق استراتژی استفاده از ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی یا QSPM می‌باشد. در این روش مشخص می‌گردد که کدام‌یک از گزینه‌های استراتژیک انتخاب شده امکان پذیر می‌باشد. مراحل تشکیل ماتریس QSPM به شرح زیر است:

با تحلیل و شناسایی نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها، ابتدا ماتریس ارزیابی عوامل داخلی [2] (IFE)و ماتریس ارزیابی عوامل خارج [3](EFE)تشکیل شد و به کمک نتایج حاصل از این ماتریس‌ها و تشکیل ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی به تجزیه و تحلیل وضعیت پرداخته شده است در گام بعد نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای شناسایی شده را وارد ماتریس SWOT کرده و استراتژی‌های ترکیبی استخراج می‌شود. در ستون اول ماتریس فهرست عوامل استراتژیک بیرونی (EFE) شامل کلیه تهدیدها و فرصت‌ها و عوامل استراتژیک درونی (IFE) شامل کلیه ضعف‌ها و قوت‌ها آورده می‌شود. در ستون دوم امتیاز موزن هر عامل استراتژیک عیناً از ماتریس IFE وEFE استخراج می‌شود. در ستون‌های بعدی انواع استراتژی‌هایی که از ماتریس SWOT بدست آمده و شامل استراتژی‌های چهارگانه WO، ST، WTو SO است، آورده می‌شود. هر یک از ستونهای مربوط به انواع استراتژی‌ها به دو زیر ستون تقسیم می‌شود. یکی زیر ستون AS و دیگری زیر ستون TAS در ستون AS امتیاز جذابیت داده می‌شود، به این ترتیب که هر عامل استراتژیک را با استراتژی مورد نظر می‌سنجند و به آن امتیاز می‌دهند. در تعیین امتیاز جذابیت باید به این سئوال پاسخ داده شود که آیا این عامل در انتخاب استراتژی مذکور اثر می‌گذارد یا خیر؟ در صورتی که پاسخ به این سئوال مثبت باشد، امتیاز جذابیت باید به صورت خاص و با توجه به جذابیت نسبی هر استراتژی به استراتژی دیگر داده شود. امتیازهای جذابیت به صورت زیر است:

- *امتیاز ۱ = جذاب نمی باشد.*
- *امتیاز ۲ = تا حدودی جذاب می‌باشد.*
- *امتیاز ۳ = در حد قابل قبول جذاب است.*
- *امتیاز ٤ = جذابیت بالایی دارد.*

در صورتی که پاسخ به سئوال فوق منفی باشد، عامل استراتژیک تاثیری بر گزینه استراتژی ندارد؛ فلذا امتیاز جذابیت برای آن استراتژی در ردیف عامل استراتژیک مساوی یک خواهد بود. در مرحله بعد، امتیازات ستون دوم را در امتیاز جذابیت ضرب نموده و امتیاز کل جذابیت در ستون TAS درج می‌شود. جمع امتیازات TAS در ردیف پایین جدول محاسبه می‌شود که این عدد همان امتیاز اولویت استراتژی می‌باشد. به این ترتیب استراتژی‌های مختلف با مقدار عددی تعیین اولویت شده و با یکدیگر قابل مقایسه خواهد بود. در مرحله آخر پس از استخراج استراتژی‌های ترکیبی حاصل از ماتریس SWOT برای اولویت بندی استراتژی‌ها بر اساس اهمیت آنها از نظر خبرگان موضوعی کمک گرفته شد. به همین منظور پرسشنامه‌ای جهت سنجش جذابیت هر یک از عوامل داخلی (نقاط قوت و ضعف) و عوامل خارجی (فرصت‌ها و تهدیدها) تنظیم گردید. و از نظرات ٦ نفر از مدیران باتجربه و تحصیل کرده در این زمینه بهره برده شد. برای سنجش نظرات خبرگان(مدیران با تجربه) درباره تأثیر عوامل بر روی استراتژی‌ها از پیوستار پنج گزینه‌ای شامل ۱- جذابیت بسیار کم (امتیاز ۱)، ۲- تا حدودی جذاب (امتیاز۲)، ۳- جذاب (امتیاز ۳)، ٤- بسیار جذاب (امتیاز ٤)، و ۵- بی تفاوت(امتیاز صفر) استفاده شد. سپس میانگین امتیازهای اختصاص داده شده به هر عامل محاسبه و بر اساس ماتریس کمی برنامه ریزی استراتژیک (QSPM) به اولویت بندی استراتژی‌های حاصل اقدام گردید. در این مرحله بر اساس اطلاعات حاصل از دو بخش شناخت و تحلیل وضعیت نظام شهری استان در

فصول پیشین، اصلی‌ترین مولفه‌های مربوط به نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدیدهای مرتبط با نقش تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر بر تغییر سازمان فضایی استان گیلان، مورد بررسی قرار می‌گیرند. جدول زیر به این تحلیل اختصاص دارد.

جدول ۱: تحلیل SWOT آسیب‌شناسی نقش تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر بر تغییر سازمان فضایی استان گیلان

نقاط قوت-S	نقاط ضعف-W	فرصت‌ها-O	تهدیدها-T
۱. عملکرد مطلوب شهرهای حوزه کوهستانی غربی استان در نظام شهری ناحیه. **۲.** وجود شهر اصلی در مرکز فضایی استان. **۳.** انسجام کالبدی و جمعیتی در نواحی شرقی و کوهستانی غربی استان. **٤.** برخورداری از امکانات زیرساختی در تمام شهرهای استان. **۵.** استقرار شهرها در مجاورت شبکه ارتباطی سرتاسری شمالی-جنوبی و شرقی-غربی. **٦.** پراکندگی مطلوب شهرها در سطح ناحیه جلگه‌ای استان.	۱. استقرار اغلب مراکز شهری در نقاط پرخطر از نظر زمین‌لرزه. ۲. الگوی سه سطحی به شدت گسسته در نظام شهری. ۳. سازمان فضایی دوگانه جلگه‌ای-کوهستانی و شمار اندک شهرهای استان در ناحیه کوهستانی جنوب. ٤. محدود ماندن عملکرد بسیاری از شهرهای نوظهور به کشاورزی. ۵. جمعیت اندک شهرهای نوپدید استان. ٦. منفی بودن رشد جمعیت در شهرهای کوچک نوپدید. ۷. عدم وجود سیستم حمل و نقل عمومی یکپارچه در شهرهای استان علی‌رغم فشردگی آنها به یکدیگر.	۱. سهولت امکان خدمات‌رسانی در بخش جلگه‌ای به دلیل فشردگی نقاط سکونتگاهی روستایی و شهری. ۲. امکان گسترش گردشگری در سطح استان به عنوان فعالیت مولد اقتصادی. ۳. سهولت ارتباط با کشورهای حاشیه غربی دریای خزر. ٤. وجود زمینه‌های عملکرد بازاری در شهرهای کوچک استان. ۵. امکان ایجاد اشتغال برای شهرهای کوچک در شهرک‌های صنعتی مجاور شهرها. ٦. امکان جذب جمعیت شهرهای میانی و بزرگ استان به شهرهای کوچک به دلیل کوتاه بودن فاصله میان شهرهای بزرگ و کوچک.	۱. وابستگی خدماتی روستاهای استان به شهرهای بزرگتر. ۲. روند رو به رشد گسترش شهرها در نواحی مستعد کشاورزی. ۳. تمایل بسیاری از روستاهای توسعه یافته‌تر برای تبدیل به شهر. ٤. عدم توجه کافی در طرح‌های مصوب توسعه به موضوع تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر. ۵. غلبه عامل سیاسی در تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر در استان گیلان نسبت به سایر عوامل. ٦. تمرکز روستاها در مجاورت شهرهای بزرگ و احتمال ادغام آنها با شهرهای مجاور. ۷. شتاب بالاتر تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر در استان در مقایسه با متوسط کشوری (افزوده شدن ٤,۹ درصد به شهرهای استان در سال)

در ادامه ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (IFE) و ماتریس ارزیابی عوامل خارجی (EFE) در پنج مرحله زیر انجام می‌پذیرد:

۱- *پس از شناسایی عوامل داخلی، نقاط قوت و ضعف سازمان را مشخص می‌نمایید (بین ۱۰ تا ۲۰ عامل)، نخست نقاط قوت و سپس نقاط ضعف را لیست نموده.*

۲- *در این ماتریس بر اساس نظر خبرگان به هر یک از عوامل بر حسب اهمیت، نمره وزنی بین ۰(بی اهمیت) تا ۱(یک بسیار مهم) داده می‌شود. مجموع وزن‌های کلیه عوامل باید برابر یک گردد.*

۳- وضع موجود هر عامل را با امتیازی بین ۱ تا ٤ مشخص نموده و توجه شود که نقاط ضعف فقط امتیاز ۱ یا ۲ را دریافت می‌نمایند، و نقاط قوت فقط نمرات ۳ و ٤ را می‌توانند به خود بگیرند. به این صورت که خیلی قوی=٤ ، قوی=۳، ضعیف= ۲ و خیلی ضعیف = ۱ می‌باشد.

٤- امتیاز موزون هر عامل را محاسبه نموده، بدین منظور امتیاز هر ردیف از عوامل درون سازمانی را در وزن نرمالایز شده آن ضرب نموده و در یک ستون جدید درج نمایید.

۵- جمع امتیازات موزون را محاسبه نموده که حداقل ۱ و حداکثر ٤ می‌باشد و میانگین آنها ۲/۵ می‌باشد. اگر امتیاز وزنی بزرگتر از میانگین ۲/۵ باشد، سازمان از نظر عوامل درونی در مجموع دارای قوت می‌باشد و اگر نمره کمتر از میانگین باشد سازمان از نظر عوامل داخلی در مجموع دچار ضعف می‌باشد.

جدول ۲: ماتریس ارزیابی عوامل داخلی(IFE)

عوامل تأثیر گذار داخلی	وزن	امتیاز عامل	امتیاز وزنی
نقاط قوت (S):			
۱.عملکرد مطلوب شهرهای حوزه کوهستانی غربی استان در نظام شهری ناحیه	0.048	۳	0.144
۲.وجود شهر اصلی در مرکز فضایی استان.	0.039	۲	0.078
۳.انسجام کالبدی و جمعیتی در نواحی شرقی و کوهستانی غربی استان.	0.041	۲	0.082
٤.برخورداری از امکانات زیرساختی در تمام شهرهای استان.	0.102	۳	0.306
۵.استقرار شهرها در مجاورت شبکه ارتباطی سرتاسری شمالی-جنوبی و شرقی-غربی.	0.0795	٤	0.318
٦.پراکندگی مطلوب شهرها در سطح ناحیه جلگه‌ای استان	0.043	۳	0.129
نقاط ضعف(W):			
۱.استقرار اغلب مراکز شهری در نقاط پرخطر از نظر زمین‌لرزه.	0.061	۱	0.061
۲.الگوی سه سطحی به شدت گسسته در نظام شهری.	0.166	۱	0.166
۳.سازمان فضایی دوگانه جلگه‌ای-کوهستانی.	0.0685	۲	0.137
٤.محدود ماندن عملکرد بسیاری از شهرهای نوظهور به کشاورزی.	0.06	۲	0.12
۵.جمعیت اندک شهرهای نوپدید استان.	0.057	۲	0.114
٦.منفی بودن رشد جمعیت در شهرهای کوچک نوپدید.	0.066	۱	0.066
۷.عدم وجود سیستم حمل و نقل عمومی یکپارچه در شهرهای استان علی‌رغم فشردگی آنها به یکدیگر.	0.169	۲	0.338
جمع کل	۱	-	۲,۰۵۹

جدول ۳: ماتریس ارزیابی عوامل خارجی (EFE)

عوامل تأثیر گذار خارجی	وزن	امتیاز عامل	امتیاز وزنی
فرصت‌ها (**O**):			
۱.سهولت امکان خدمات‌رسانی در بخش جلگه‌ای به دلیل فشردگی نقاط سکونتگاهی روستایی و شهری.	0.117	۳	0.351
۲.امکان گسترش گردشگری در سطح استان به عنوان فعالیت مولد اقتصادی.	0.125	۳	0.375

۳.سهولت ارتباط با کشورهای حاشیه غربی دریای خزر.	0.031	۱	0.031
٤.وجود زمینه‌های عملکرد بازاری در شهرهای کوچک استان.	0.0965	۳	0.2895
٥.امکان ایجاد اشتغال برای شهرهای کوچک در شهرک‌های صنعتی مجاور شهرها.	0.022	۳	0.066
٦.امکان جذب جمعیت شهرهای میانی و بزرگ استان به شهرهای کوچک به دلیل کوتاه بودن فاصله میان شهرهای بزرگ و کوچک.	0.042	۳	0.126
تهدیدها (T):			
۱.وابستگی خدماتی روستاهای استان به شهرهای بزرگتر.	0.067	۲	0.134
۲.روند رو به رشد گسترش شهرها در نواحی مستعد کشاورزی.	0.1245	۱	0.1245
۳.تمایل بسیاری از روستاهای توسعه یافته‌تر برای تبدیل به شهر.	0.1295	۱	0.1295
٤.عدم توجه کافی در طرح‌های مصوب توسعه به موضوع تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر.	0.0785	۱	0.0785
٥.غلبه عامل سیاسی در تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر در استان گیلان نسبت به سایر عوامل.	0.038	۱	0.038
٦.تمرکز روستاها در مجاورت شهرهای بزرگ و احتمال ادغام آنها با شهرهای مجاور.	0.0345	۲	0.069
۷.شتاب بالاتر تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر در استان در مقایسه با متوسط کشوری (افزوده شدن ٤,۹ درصد به شهرهای استان در سال)	0.0945	۲	0.189
جمع کل	۱	–	۲,۰۰۱

در گام بعدی تجزیه و تحلیل ماتریس داخلی و خارجی صورت می‌گیرد. برای تجزیه و تحلیل هم زمان عوامل داخلی و خارجی از ماتریس داخلی و خارجی IE[1] استفاده می‌گردد. این ماتریس برای تعیین موقعیت به کار می‌رود و برای تشکیل آن باید نمرات حاصل از ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و ماتریس ارزیابی عوامل خارجی را در ابعاد عمودی و افقی آن قرار داد تا بتوان استراتژی‌های مناسبی را برای آن مشخص کرد.

تحلیل وضعیت نشان می‌دهد که امتیاز حاصل از ماتریس‌های ارزیابی داخلی و خارجی در خانه پنجم ماتریس عوامل داخلی و خارجی قرار می‌گیرد. بر این مبنا در ادامه راهبردهای تدافعی، تهاجمی، اقتضایی و انطباقی اساسی برای بهبود سازمان فضایی استان با توجه به نقش شهرهای کوچک در آن پیشنهاد می‌شوند و پس از آن اقدام به اولویت‌بندی راهبردها در قالب یک مدل سلسله‌مراتبی می‌گردد. جدول ذیل به معرفی این راهبردها می‌پردازد.

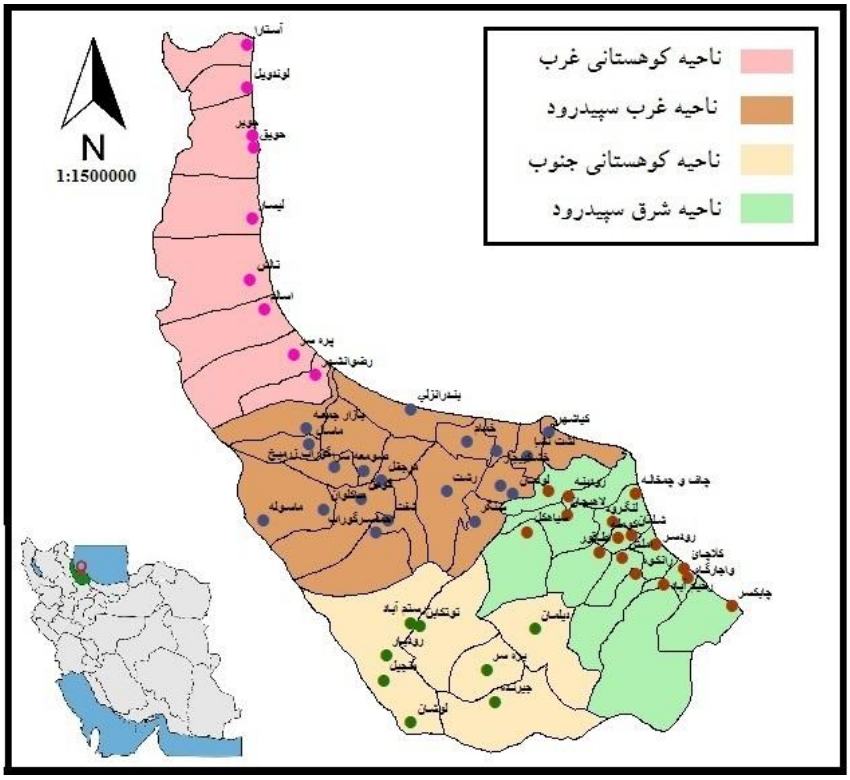
جدول ٤: راهبردهایی برای بهبود سازمان فضایی استان با توجه به نقش شهرهای کوچک

SO: ۱-تقویت شبکه ارتباطی به منظور ارتقای قابلیت دسترسی فضایی.	**WO:** ۱-فعال‌سازی خدمات مرتبط با حوزه کشاورزی در شهرهای کوچک استان با توجه به غالب بودن فعالیت کشاورزی به عنوان فعالیت مولد در آنها؛ خصوصا در ناحیه شرق سپیدورد. ۲-توسعه فعالیت‌های مبتنی بر گردشگری ساحلی در شهرهای کوچک ساحلی استان. ۳-تمرکز زدایی در سرمایه‌گذاری‌ها از مرکز استان به سمت قطب‌های ناحیه‌ای؛ خصوصا در قطب‌های لاهیجان-لنگرود، فومن-صومعه‌سرا، تالش و لوشان.
ST: ۱-اتخاذ سیاست‌هایی برای تقویت شهرهای میانی به جای افزوده شدن شهرهای کوچک؛ خصوصا در ناحیه غرب سپیدرود. ۲- تقویت ارتباط روستایی-شهری برای کاهش وابستگی روستاها به شهرهای بزرگ.	**WT:** ۱-تقویت شبکه شهری در بخش جنوب شرقی استان (حوزه اشکورات رودسر) با توجه به تعدد و پراکندگی سکونتگاه‌های روستایی در آن و عدم وجود نقاط شهری. ۲-بازتعریف معیارهای تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر در سطح هر ناحیه با توجه به سازمان فضایی همان ناحیه.

می‌توان استان گیلان را برحسب ویژگی‌های همگن به چهار منطقه عمده تقسیم نمود که عبارتند از: ناحیه شرق سپیدرود که شامل شهرستان‌های لاهیجان، لنگرود، رودسر، املش و بخش‌هایی از شهرستان‌های آستانه اشرفیه و سیاهکل می‌گردد. ناحیه غرب سپیدرود نیز شامل شهرستان‌های رشت، فومن، بندرانزلی، صومعه سرا، شفت و ماسال، است. ناحیه کوهستانی غرب شامل شهرستان‌های رضوانشهر، طوالش و آستارا شده و ناحیه کوهستانی جنوب شامل شهرستان رودبار و بخش‌هایی از شهرستان سیاهکل می‌شود. این تقسیم‌بندی گرچه با مرزهای سیاسی موجود در استان انطباق ندارد لیکن با توجه به موضوع پژوهش که نظام شهری استان می‌باشد با شرایط شهرها انطباق بیشتری می‌یابد که به‌عنوان مبنای ناحیه بندی پژوهش ملحوظ می‌شود.

برآیند ویژگی‌های طبیعی، سیاسی و عملکردی استان گیلان نشان می‌دهد که می‌توان از نظر فضایی محدوده استان گیلان را به چهار ناحیه متفاوت با مشخصات زیر تقسیم نمود:

- منطقه غرب سپیدرود: با منابع آب غنی، اقلیم مرطوب، ناحیه جلگه‌ای گسترده و هموار، سکونتگاه‌های فشرده.
- منطقه شرق سپیدرود: با منابع آب غنی، اقلیم مرطوب، ناحیه جلگه‌ای و کوهستانی همجوار.
- نوار باریک ساحلی غربی: به‌صورت فشرده و باریک در بخش غربی استان با مجاورت کوه و دریا و سکونتگاه‌های خطی.
- نواحی کوهستانی جنوبی: به‌صورت مناطق کوهستانی و بیابانی با جمعیت پراکنده و توان بسیار محدود کشاورزی و اقلیم نیمه‌خشک .



شکل ۱: موقعیت شهرهای استان گیلان برحسب چهار محدوده فضایی

ماخذ: بر اساس مهندسین مشاور نقش جهان پارس، ۱۳۹۱

از بعد اقتصادی نقش‌پذیری شهرها را می‌توان ازجمله عوامل موثر بر ساختار شهری منطقه بر شمرد. با نگاهی به مفاهیم مطرح شده در مبانی نظری می‌توان گفت یکی از اهداف اساسی تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر، تغییر نقش سکونتگاه از اقتصاد کشاورزی و عملکرد محلی به اقتصاد صنعتی (طبق مدل‌های شرقی) یا خدماتی (طبق مدل‌های غربی) و پیدا کردن عملکردی فراتر از سطح محلی است. لذا با مطالعه نقش شهرهای به وجود آمده طی چند دهه اخیر در استان گیلان می‌توان گفت آیا تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر در سطح استان توانسته در نیل به چنین هدفی موفق عمل نماید و یا خیر.

بررسی تغییرات نقش شهرها طی دوره ۱۳۶۵-۱۳۹۰ نشان می‌دهد که نقش ۱۰ شهر اول استان تغییر چندانی نداشته است. شهرهای آستارا، بندرانزلی و فومن شهرهای با نقش غالب خدماتی شناخته می‌شوند. اغلب شهرهای استان دارای ضریب مکانی اشتغال کشاورزی بالایی هستند و تنها شهر رشت ضریب مکانی بسیار پایینی دارد. شهر چاف و چمخاله بیشترین نقش کشاورزی را دارد. کمترین ضریب مکانی اشتغال خدماتی مربوط به شهر چاف و چمخاله است. شهرهای جیرنده و لوشان چندنقشی صنعتی-خدماتی شناخته می‌شوند که به دلیل وجود کارخانه سیمان لوشان در آن محدوده است. بیشترین ضریب مکانی اشتغال صنعتی مربوط به شهر لوشان است. به طور کلی می‌توان گفت شهرهای کوچکتر دارای سطح کارکرد کشاورزی بالاتری هستند(سازمان برنامه و بودجه استان گیلان، ۱۳۹۶).

جدول ۵: ضریب مکانی اشتغال شهرهای استان در سال ۱۳۹۰

شهر	کشاورزی	خدمات	صنعت	شهر	کشاورزی	خدمات	صنعت
رشت	3.8	68.6	27.6	کوچصفهان	6.8	65.5	27.7
بندر انزلی	5.7	72.4	21.9	چاف و چمخاله	50.8	30.6	18.6
لاهیجان	7.9	69.7	22.4	چابکسر	19.8	50.5	29.7
لنگرود	10.8	66.6	22.6	شفت	10.6	65	24.4
هشتپر (تالش)	8.7	66.1	25.2	پره‌سر	15	60	25
آستارا	2.2	82.3	15.5	لولمان	15.9	53.6	30.5
صومعه‌سرا	8.2	71.6	20.2	خشکبیجار	18.4	59.9	21.7
آستانه اشرفیه	10.2	64.3	25.5	مرجغل	15.9	57.4	26.7
رودسر	12.2	69.5	18.3	کومله	20.3	56.8	22.9
فومن	5.7	70.9	23.4	بازارجمعه	14.9	64.2	20.9
خمام	10.5	57.2	32.3	چوبر	43	39	18
سیاهکل	12.2	58.2	29.6	شلمان	27.3	49.2	23.5
رضوانشهر	13.7	63.4	22.9	گوراب زرمیخ	24.1	56.6	19.3
ماسال	10	69.2	20.8	واجارگاه	40.7	42.6	16.7
منجیل	5.8	69.4	24.8	حویق	33.9	46.3	19.8
املش	17.4	63.3	19.3	لیسار	25.7	56.1	18.2
بندر کیاشهر	29.5	48.6	21.9	رودبنه	39.3	39	21.7
رستم آباد	14	55.7	30.3	جیرنده	26.5	35.9	37.6
لوشان	7.5	49.1	43.4	رانکوه	40.3	36.7	23
سنگر	14.9	53.8	31.3	احمد سرگوراب	32.9	39.9	27.2
کلاچای	13.4	65.6	21	اطاقور	21.6	56.2	22.2
لوندویل	13	56.6	30.4	دیلمان	16.8	49.3	33.9
اسالم	15.5	49.7	34.8	بره‌سر عمارلو	34.8	42.9	22.3
رحیم آباد	21.6	54	24.4	توتکابن	25.1	55.2	19.7
لشت‌نشا	19.8	60.2	20	ماسوله	1.5	64.8	33.7
رودبار	15.1	64.6	20.3				

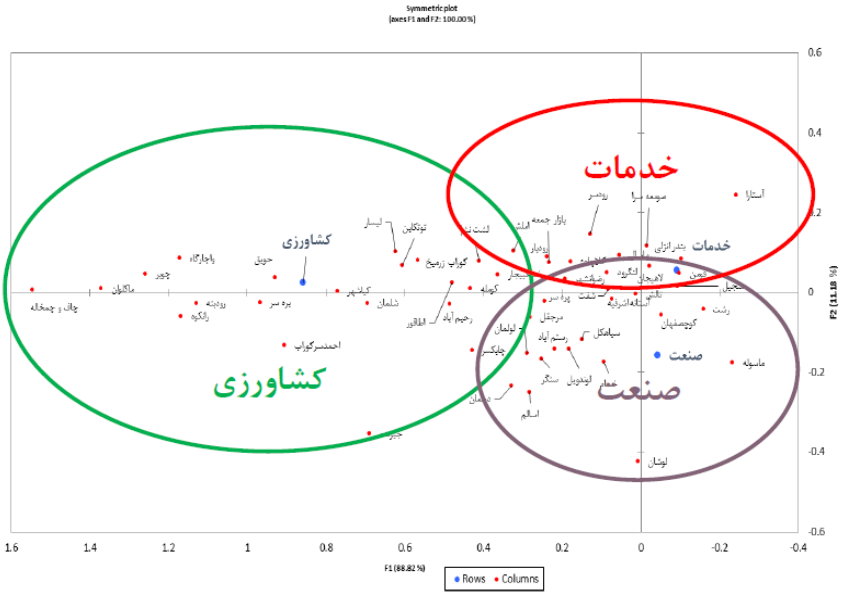
ماخذ: داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۰

بررسی ضریب مکانی اشتغال شهرهای استان طبق اطلاعات سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که بیشترین ضریب کشاورزی مربوطه به شهر چاف و چمخاله با ۵۰٫۸ می‌باشد و شهرهای چوبر، واجارگاه و رانکوه در رده‌های بعدی قرار دارند. شهرهای ماسوله، آستارا و رشت کمترین ضریب کشاورزی را دارند. از نظر خدمات شهرهای آستارا، بندرانزلی و صومعه‌سرا بیشترین ضریب خدماتی و چاف و چمخاله، جیرنده و رانکوه، کمترین ضریب خدماتی را دارند. بالاترین ضریب صنعتی مربوط به شهرهای لوشان، جیرنده، اسالم و دیلمان است که دو شهر اول به همراه دیلمان، به دلیل وجود منابع معدنی و کارخانه سیمان اهمیت مضاعفی یافته‌اند. شهرهای آستارا، واجارگاه و چوبر در رده‌های انتهایی ضریب صنعتی قرار دارند.

تحلیل نقش شهرهای استان نشان می‌دهد خصوصیت مشترک اغلب شهرها، اتکا بر فعالیت‌های کشاورزی است. شهرهای نواحی ساحلی نقش توریستی–کشاورزی دارند در حالی‌که شهرهای نواحی مرکزی غالبا نقش کشاورزی–خدماتی بر عهده دارند. کانون‌های صنعتی استان مبتنی بر رشت، بندرانزلی و لاهیجان هستند، که نقش‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نیز بر عهده دارند. شهرهای نواحی کوهستانی که به دلایل سیاسی–عملکردی شکل‌گرفته‌اند، تنها عملکردهای محدود محلی را بر عهده دارند.

از میان ۵۲ شهر استان، ۱۰ شهر (شهرهای بندرانزلی، آستارا، رودسر، بندرکیاشهر، کلاچای، چابکسر، لوندویل، حویق، چوبر و چاف و چمخاله) دارای موقعیت ساحلی هستند. اغلب این شهرها کوچک مقیاس و فاقد سازه بندری بوده و از ویژگی‌های یک شهر بندری برخوردار نیستند. شهر بندرانزلی به دلیل نوع کارکردهای موجود در آن و مجاورت با منطقه آزاد انزلی و همچنین انجام فعالیت‌های گسترده گمرکی وترانزیت دریایی در آن، به‌عنوان یک شهر بندری محسوب می‌گردد. شهر آستارا در رده دوم اهمیت قرار دارد و دارای تاسیسات بندری و گمرکی بوده و به علت مرز زمینی با جمهوری آذربایجان، فعالیت‌های تجاری این شهر به صورت زمینی نیز انجام می‌گیرد که می‌توان از آن به‌عنوان دومین شهر بندری استان یاد نمود. برخی شهرها به دلیل مجاورت با دریای کاسپین ویژگی مرزی دارند بندر انزلی به دلیل داشتن تاسیسات بندری قوی به نوعی شهر ساحلی–مرزی محسوب می‌شود. برخی شهرها نیز در کرانه ساحلی استقرار یافته‌اند اما به دلیل نداشتن تاسیسات کافی، شهر مرزی محسوب نمی‌شوند که عبارتند از: بندر کیاشهر، جاف و چمخاله، رودسر، کلاچای، چابکسر در وهله اول و پس از آن شهرهای حویق، چوبر.

طبقه‌بندی شهرهای استان برحسب نقش آنها در نواحی چهارگانه می‌تواند نشان دهنده تاثیرات حاصل از روندهای تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر از بعد اقتصادی باشد. بررسی نقش اقتصادی شهرها نشان می‌دهد که اغلب شهرهایی که طی دو دهه اخیر به نظام شهری استان افزوده شده‌اند نقش کشاورزی دارند. این شهرها در رده‌های اخیر نظام شهری ناحیه خود جای داشته و از نظر جمعیتی نیز جمعیت محدودی در آنها سکونت دارند. در این میان نسبت شهرهای جدید با نقش کشاورزی در ناحیه شرق استان از نواحی دیگر بیشتر است.



شکل ۲: نقش‌پذیری شهرهای استان گیلان بر اساس داده‌های سال ۱۳۹۰

ماخذ: سازمان برنامه و بودجه استان گیلان، ۱۳۹٦

بدین‌ترتیب مشاهده می‌شود که الگوهای نظری مطرح شده بر اساس مدل‌های شرقی یا غربی تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر در هیچ کدام از نواحی مشاهده نمی‌شوند. چرا که اغلب شهرهای جدید در همان ویژگی‌های روستایی با نقش کشاورزی باقی مانده‌اند. درخصوص معدود شهرهایی که نقش صنعتی دارند نیز نمی‌توان آنها را به مفهوم متداول صنعتی محسوب نمود. چرا که به جز شهرهای لوشان، دیلمان و اسالم بقیه شهرهای جدید تاسیسات صنعتی خاصی در نزدیکی خود ندارند و صنعتی شمرده شدن آنها بر اساس فعالیت‌های کارگاهی کوچک مستقر در آنها بوده است. شهر ماسوله به لحاظ وجود صنایع دستی و هنری سنتی به‌عنوان شهر صنعتی محسوب می‌شود. لذا می‌توان گفت تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر از بعد نقش‌پذیری به تغییرات چشمگیری در سطح سکونتگاه‌های استان منجر نشده است.

حال می‌توان بر مبنای راهبردهای فوق، نظام فضایی هر یک از خوشه‌ها را با توجه به نقش شهرهای هر منطقه بازتعریف نمود. از این طریق امکان ایجاد خوشه‌های مستقل با نقش‌های مشخص شکل می‌گیرد. این خوشه‌ها در درون خود کارکردهای مکملی را شکلی می‌دهند که به استقلال هر یک از آنها کمک می‌کند. در کنار این امر همکاری میان خوشه‌ای می‌تواند سبب ارتقای عملکرد شهرها در نظام شهری استان شود. روشن است که خوشه‌های همجوار امکان همکاری بیشتری را با یکدیگر دارا هستند.

جدول ٦: خوشه‌های فضایی استان گیلان و عملکرد پیشنهادی شهرهای هر یک

خوشه‌های فضایی شهری استان گیلان	نوع شهر	نام شهر	عملکرد فعلی	عملکرد پیشنهادی	پتانسیل ویژه برای توسعه
کوهستانی غرب	میانی	آستارا	خدماتی	سیاسی (مرزی)، گردشگری، ترانزیتی	موقعیت مرزی ترانزیتی،عملکرد بازاری برای کل استان
		هشتپر	صنعتی	سیاسی-اداری، خدماتی سطح یک	موقعیت خدماتی برای کل ناحیه
	کوچک	رضوانشهر	خدماتی-صنعتی	سیاسی-اداری، خدماتی سطح دو	تمرکز زدایی از خدمات مرکز استان برای بهبود عملکرد ناحیه
		پره‌سر	صنعتی	صنعتی، بازاری	توسعه صنایع کشاورزی و تبدیلی
	نوظهور	حویق	کشاورزی	گردشگری	گردشگری کوه و دریا
		چوبر	کشاورزی	خدماتی	خدمات بین راهی ترانزیتی
		اسالم	صنعتی	صنعتی، گردشگری	توسعه صنایع کشاورزی و تبدیلی، گردشگری جنگل
		لوندویل	صنعتی	صنعتی، خوابگاهی	
		لیسار	کشاورزی	خدماتی، بازاری	موقعیت ارتباطی ممتاز

مرکز (غرب سپیدرود)	بزرگ	رشت	صنعتی	چند عملکردی، فرامنطقه‌ای-فراملی	تمرکز امکانات و خدمات اصلی استان، موقعیت ارتباطی ممتاز
	میانی	بندرانزلی	خدماتی	بندری، گردشگری، ترانزیتی	موقعیت بندری و ترانزیتی، عملکرد بازاری منطقه آزاد برای کل استان
	کوچک	سنگر	صنعتی	صنعتی، ارتباطی	موقعیت ارتباطی ممتاز
		کوچصفهان	صنعتی	صنعتی، ارتباطی	موقعیت ارتباطی ممتاز
		خمام	صنعتی	صنعتی، ارتباطی	موقعیت ارتباطی ویژه
		لشت‌نشا	کشاورزی	خدماتی	خدمات کشاورزی محلی
		خشکبیجار	کشاورزی	خدماتی	خدمات کشاورزی محلی
		بندرکیاشهر	کشاورزی	گردشگری، صیادی	موقعیت ساحلی
		ماسال	خدماتی	خدماتی، گردشگری	خدمات کشاورزی محلی، گردشگری کوهستان
		فومن	خدماتی-صنعتی	خدماتی-صنعتی	موقعیت خدماتی در ناحیه
		صومعه‌سرا	خدماتی	خدماتی	موقعیت خدماتی در ناحیه
		شفت	صنعتی	صنعتی	صنایع کشاورزی و تبدیلی
		ماسوله	صنعتی	صنعتی	گردشگری ملی و فراملی
	نوظهور	احمد سر گوراب	کشاورزی	خدماتی	موقعیت ارتباطی ویژه، خدمات کشاورزی محلی
		ماکلوان	کشاورزی	گردشگری، ارتباطی	موقعیت ارتباطی ممتاز برای دسترسی به ماسوله
		بازارجمعه	خدماتی	خدماتی	خدمات کشاورزی محلی
		مرجغل	صنعتی	خدماتی	خدمات کشاورزی محلی
		گوراب زرمیخ	کشاورزی	خدماتی	اقماری

		لولمان	کشاورزی	ارتباطی، خدماتی	موقعیت ارتباطی ممتاز، موقعیت بازاری محلی
شرق سپیدرود	میانی	لاهیجان	خدماتی–صنعتی	خدماتی–صنعتی	صنایع کشاورزی، گردشگری
		لنگرود	خدماتی–صنعتی	خدماتی–صنعتی	صنایع کشاورزی، بازاری
	کوچک	آستانه اشرفیه	صنعتی	صنعتی، گردشگری مذهبی، بازاری	صنایع کشاورزی، موقعیت خدماتی برای غرب ناحیه، موقعیت مذهبی
		رودسر	خدماتی	خدماتی	موقعیت خدماتی برای شرق ناحیه
		کلاچای	خدماتی–صنعتی	خدماتی–صنعتی	گردشگری ساحلی
		چابکسر	کشاورزی	گردشگری ساحلی، ترانزیتی	موقعیت ارتباطی ممتاز
		رحیم‌آباد	کشاورزی	خدماتی	خدمات کشاورزی، گردشگری کوهستان
		واجارگاه	کشاورزی	خدماتی	خدمات کشاورزی، گردشگری کوهستان
		املش	کشاورزی– خدماتی	کشاورزی،خدماتی	موقعیت خدماتی برای جنوب ناحیه
		سیاهکل	صنعتی	صنعتی، خدمات گردشگری	موقعیت خدماتی برای شرق ناحیه، صنایع کشاورزی تبدیلی، معدن
		کومله	کشاورزی	خدمات کشاورزی، خوابگاهی	اقماری، بین راهی
	نوظهور	شلمان	کشاورزی	ارتباطی، خدماتی	موقعیت ارتباطی ممتاز، عملکرد خوابگاهی
		رودبنه	کشاورزی	خدماتی، بین راهی	خدمات کشاورزی، بین راهی، خوابگاهی
		اطاقور	کشاورزی	خدماتی، گردشگری	خدمات کشاورزی، گردشگری کوهستان
		رانکوه	کشاورزی	خدماتی	خدمات کشاورزی

		چاف و چمخاله	کشاورزی	گردشگری	گردشگری ساحلی
کوهستانی جنوب	کوچک	منجیل	صنعتی	صنعتی	صنایع تبدیلی، انرژی‌های نو
		رودبار	خدماتی	خدمات کشاورزی، اداری و عملکردی، ترانزیتی	موقعیت ارتباطی ممتاز
		لوشان	صنعتی	صنعتی	معدن
	نوظهور	رستم‌آباد	صنعتی	صنعتی	صنایع کشاورزی و تبدیلی
		جیرنده	کشاورزی	خدماتی کوهستانی	خدمات کشاورزی، اداری و عملکردی
		توتکابن	کشاورزی	خدمات کشاورزی محلی	خدمات کشاورزی، اداری و عملکردی
		دیلمان	صنعتی	صنعتی، گردشگری	معدن، گردشگری کوهستان
		برەسر	کشاورزی	خدماتی کوهستانی	خدمات کشاورزی، اداری و عملکردی

نتیجه‌گیری

در حال حاضر شهرهای چابکسر، شلمان، در شرق سپیدرود، سنگر، کوچصفهان، لولمان، بندرانزلی، در غرب سپیدرود، روبار در ناحیه کوهستانی جنوب و آستارا، لوندویل، چوبر، حویق، لیسار در ناحیه کوهستانی غرب، شهرهایی هستند که مسیرهای ارتباطی اصلی استان مستقیما از درون آنها عبور می‌کند. لذا این شهرها از ارزش ترانزیتی بالایی برخوردارند. شهرهای رحیم آباد، سیاهکل، دیلمان، رودبار، ماکلوان، ماسوله، تالش، ماسال، اسالم به دلیل موقعیت ارتباطی خاص آنها با نواحی پسکرانه‌ای کوهستانی قابلیت توسعه به عنوان مراکز تمرکز گردشگری کوهستان را دارند. شهرهای آستارا، لوندویل، چوبر، حویق، لیسار، بندرانزلی، بندرکیاشهر، چاف و چمخاله، رودسر، کلاچای و چابکسر به دلیل قرارگیری در نوار ساحلی قابلیت توسعه به عنوان مراکز گردشگری ساحلی را دارند. علاوه براین شهرها آستارا و بندرانزلی در وهله اول و شهرهای بندرکیاشهر و چاف و چمخاله از شهرهای دارای اولویت برای توسعه فعالیت‌های بندری هستند. شهرهای نوظهوری که در اطراف شهرهای میانی و بزرگ قرارگرفته‌اند، می‌توانند در کنار نقش اصلی خود، به عنوان جاذب بخشی از جمعیت این شهرها عمل کنند. این امر خصوصا در مورد شهرهای اطراف رشت به عنوان مرکز استان و شهرهای اطراف لاهیجان و لنگرود به عنوان دوشهر پرجمعیت شرق استان، صادق خواهد بود. بدین‌ترتیب شهرهای کومله، شلمان، رودبنه در ناحیه شرقی و کوچصفهان، لولمان، سنگر، لشت‌نشا و خشکبیجار در ناحیه غرب در اطراف رشت، شهرهای مرجغل و گوراب زرمیخ برای فومن و لوندویل برای

آستارا، چنین قابلیتی را از خود نشان می‌دهند. در میان شهرهای نوظهور شهر دیلمان به دلیل موقعیت معدنی آن (تولید سیمان) و شهر اسالم به دلیل صنایع تبدیلی (چوب و کاغذ) از اهمیت خاصی برخوردارند. مضافا شهر دیلمان در گردشگری کوهستان و اسالم در گردشگری جنگل دارای مزیت‌های بالقوه هستند.

جدول ۷: طبقه‌بندی شهرهای نوظهور بر مبنای اولویت توسعه آنها

خدماتی	ترانزیتی	صنعتی	گردشگری	کل
رودبنه، اطاقور، برەسر، توتکابن، جیرنده، رانکوه، بازارجمعه، احمد سر گوراب، لیسار، گوراب زرمیخ،	شلمان، لولمان، چوبر	دیلمان، رستم‌آباد، اسالم، مرجغل، لوندویل	چاف و چمخاله، ماکلوان، حویق	–
۱۰	۳	۵	۳	۲۱

در سطح محلی می‌توان الگوهای توسعه متفاوتی برگزید که متناسب با نیازهای همان سکونتگاه باشد (مثل TND، TOD، Urban Village). از جمله الگوی دهکده شهری که در آن به طرز کارآمد و مؤثرتری از زمین استفاده می‌شود و فشارهایی را که برای توسعه بر زمین‌های کشاورزی وجود دارد، کاهش می دهد. اصول کلیدی مطرح در الگوی دهکده شهری، ارائه مدلی از کنترل توسعه و تعامل مناسب شهر و روستا برای ایجاد تنوع فعالیت‌ها و فراهم نموده فرصت‌های اشتغال، برخورداری از فضاهای زنده و باهویت، زیرساخت‌های غنی و رعایت ملاحظات زیست محیطی را پیشنهاد می‌کند. یک دهکده شهری مساحتی حدود ٤۰ هکتار با جمعیتی حدود سه تا پنج هزار نفر را در خود جای می دهد، که متناسب با ابعاد شهرهای نوظهور موجود در استان می‌باشد. از آنجایی که ابعاد یک دهکده شهری به میزانی کوچک است که مفهوم محله در آن احساس شود، باعث تقویت حس مکان و افزایش تعاملات اجتماعی و برخوردهای چهره به چهره می‌گردد؛ در عین حال به میزانی بزرگ است که توانایی تأمین طیف وسیعی از تسهیلات را به گونه‌ای مناسب و منطقی داشته باشد که امکان ارائه خدمات فرامحلی را برای آنها فراهم می‌کند.

منابع

ایزدی خرامه، حسن (۱۳۸۰)، تبدیل روستا به شهر و نقش آن در توسعه روستایی مطالعه موردی استان فارس، رساله دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تربیت مدرس.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان (۱۳۹۳)، سالنامه آماری استان گیلان، رشت، معاونت آمار و اطلاعات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان (۱۳۹٦)، تهیه و بازنگری برنامه آمایش استان گیلان، رشت، گیلان (مجری طرح معاونت پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی).

قدیری، محمود (۱۳۹۳)، «بررسی میزان گسترش شهرهای کوچک و میانی در ایران»، جغرافیا و توسعه، شماره ۳٦، صص ۳۱-٤۸.

مهندسین مشاور نقش جهان پارس (۱۳۹۱)، طرح مجموعه شهری رشت، جلد اول: تعیین و تدقیق محدوده و جایگاه مجموعه شهری، رشت، اداره کل راه و شهرسازی استان گیلان.

Baker, J. E & Pedersen, P. O. (1992), The rural-urban interface in Africa: Expansion & Adaptation, The Sc&inavian Institute of African Studies, Uppsala.

Bogdański, M., & Janusz, M. (2022). Small towns' functions as a determinant of the standard of living in rural areas—An example from Poland. Sustainability, 14(20), 13254, 1-21. http://doi.org/10.3390/su142013254

Chen, M., Chen, C., Jin, C., Li, B., Zhang, Y., & Zhu, P. (2024). Evaluation and obstacle analysis of sustainable development in small towns based on multi-source big data: A case study of 782 top small towns in China. Journal of Environmental Management, 366, 121847, 1-19. Doi: 10.1016/j.jenvman.2024.121847

Dimitriou, T. & Thompson, R. (2007), Strategic Planning for Regional Development in the UK, UK, Taylor & Francis.

Douglass, M. (1998), "A Regional Network Strategy for Reciprocal Rural-Urban Linkages: An Agenda for Policy Research with Reference to Indonesia", Third world planning review, Vol. 20, No. 1, Pp. 1-30.

Evans, H. E. (1990), "Rural-urban linkages & structural transformation", Report INU 71, Infrastructure & Urban Development Department, The World Bank, Washington DC.

Gibson, C. & Waitt, G. (2010), "The cultural economy of small cities", Geography Compass, No. 4(9), Pp. 1408-1417.

Hackenberg, R. A. (1982), "Diffuse Urbanization & the Resource Intermediate Frontier", (Paper for Expert Group Meeting on The Role of Small & Intermediate Cities in Development U.N), Center for Regional Development, Nagoya.

Jaszczak, A., Pochodyła-Ducka, E., & Pranskuniene, R. (2024). Assessing the success of the development strategy of the Cittaslow Movement: An analysis of revitalisation programs and expert's insights on the model for small towns' sustainable development. Sustainability, 16(11), 44-59. Doi: 10.3390/su16114459

Lacour, C., & Puissant, S. (2009), Is creativeness in small cities indicative of an economic culture? Paper presented at the Association of American Geographers Annual Meeting, Las Vegas NV March 22-27 Label Session: The Cultural Economy of Small Cities: Creativity Knowledge & Urban Spatial Development.

Mally, K. V., Bobovnik, N., Kimovec, L., & Lampič, B. (2022). Changes in (sustainable) development of Slovenian small towns. European Countryside, 14(1), 87-103. Doi: 10.2478/euco-2022-0005

Satterthwaite, D. & Tacoli, C. (2003), "the urban part of rural development: the role of small & intermediate urban centres in rural & regional development & poverty reduction", working Paper Series on Rural-Urban Interactions & Livelihood Strategies, WORKING PAPER 9, IIED, London.

Tacoli, C. (2003), "the links between urban & rural development", in Environment & Urbanization, No. 15, Pp. 3-12.

Tong, Y., Liu, W., Li, C., Zhang, J., & Ma, Z. (2021). Understanding patterns and multilevel influencing factors of small town shrinkage in Northeast China. Sustainable Cities and Society, 68, 102811. Doi: 10.1016/j.scs.2021.102811

Yu, Z., Yuan, D., Zhao, P., Lyu, D., & Zhao, Z. (2023). The role of small towns in rural villagers' use of public services in China: Evidence from a national-level survey. Journal of Rural Studies, 100. Doi: 10.1016/j.jrurstud.2023.103011